



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۲۸

احمد فواد ارسلان

تعامل یعنی نفوذ: منطق پشت دیدگاه عایشه و هاب

عکس العمل‌های تند به اظهارات عایشه و هاب در ماه اگست ۲۰۲۶ بیش از آن‌که ماهیت سخنان او را روشن سازد، یک ضعف تحلیلی مداوم را در نحوه بحث درباره افغانستان در میان محافل غربی و افغانان مقیم خارج آشکار می‌کند. گفته‌های او به سرعت به گونه‌ای سطحی به عنوان تأیید طالبان ترسیم شد، در حالی‌که چنین برداشتی نادرست است. در واقع، سخن او بیان سنجیده یک اصل دیرینه در سیاست‌گذاری دولتی است: با قدرتی که وجود دارد تعامل می‌کند، نه با قدرتی که آرزو داری وجود می‌داشت.

عایشه و هاب از جایگاه یک ملی‌گرای افغان که در پی مشروعیت‌بخشی به یک نظام حاکم باشد سخن نگفت. او به عنوان یک سیاستمدار دموکرات افغان-امریکایی صحبت کرد که در چارچوب منطق نهادی سیاست خارجی ایالات متحده شکل گرفته و بخصوص تحت تأثیر اجماع پس از جنگ‌های عراق و افغانستان در حزب دموکرات قرار دارد؛ اجماعی که جنگ‌های بی‌پایان را رد می‌کند. دیدگاه او بر یک فرضیه روشن استوار است: زمانی که انتخاب راه نظامی به پایان رسیده و از نظر سیاسی رد شده‌اند، دیپلماسی تنها ابزار باقی‌مانده است. تفسیر این موضع به عنوان همدلی ایدیولوژیک با طالبان، از نظر تحلیلی سهل‌انگارانه است.

منتقدان، بخصوص بخش‌هایی از جامعه مدنی افغان در تبعید، در یک چارچوب دوگانه فکر می‌کنند که دیگر با واقعیت جیوپولیتیک همخوانی ندارد. در نگاه آنان، هر نوع تعامل به معنای به رسمیت‌شناسی است و به رسمیت‌شناسی نیز برابر با مشروعیت‌بخشی تلقی می‌شود. این یک خطای مفهومی است. تعامل دیپلماتیک تأیید شیوه حکومت‌داری داخلی نیست؛ بلکه ابزاری برای اعمال نفوذ است. بدون چینل ارتباطی، هیچ اهرمی برای تأثیرگذاری بر موضوعاتی چون آموزش دختران، مشارکت زنان یا آزادی‌های مدنی وجود ندارد. در مقابل، انزوا دقیقاً همان نتیجه‌ای را تولید می‌کند که این منتقدان ادعا دارند با آن مخالف‌اند: یک نظام بسته بدون نقاط فشار بیرونی.

استدلال عایشه و هاب همچنان بر درک صریح از اهمیت ساختاری افغانستان استوار است. جغرافیا و منابع، مفاهیم شعاری نیستند؛ بلکه واقعیت‌های پایداری که رفتار بین‌المللی را شکل می‌دهند. افغانستان در تقاطع آسیای مرکزی و جنوبی قرار دارد، در مجاورت دولت‌های دارای سلاح اتم و مسیرهای مهم اقتصادی. هیچ سیاست‌گذار جدی در واشنگتن باور ندارد که قطع کامل ارتباط انتخاب عملی است. پرسش این نیست که آیا باید تعامل صورت گیرد یا نه، بلکه این است که چگونه باید تعامل کرد.

بخش مهم دیگر دیدگاه او نقد دو دهه گذشته است. کارنامه جنگ‌سالاران همسو با ایالات متحده و نخبگان جناحی یک حاشیه نیست؛ بلکه برای فهم فروپاشی جمهوری حیاتی است. میلیاردها دلار از طریق شبکه‌هایی جریان یافت که به جای ساختن تشکلات و تهداب‌ها، بر حامی‌پروری تمرکز داشتند. برای بسیاری از افغان‌ها، جمهوری موسوم به یک دولت دموکراتیک منسجم، بلکه نظامی پراکنده همراه با فساد، اجبار و مراکز متعدد قدرت بود. صراحت عایشه و هاب در بیان این واقعیت، کسانی را نگران ساخته که هنوز از آن نظام به عنوان یک آرمان از دست‌رفته دفاع می‌کنند، نه یک واقعیت عمیقاً آسیب‌دیده.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالېرلو مخکې په خبر و لولئ

ادعای این‌که عایشه وهاب «به طالبان مشروعیت می‌بخشد» با کمترین بررسی فرو می‌ریزد. مشروعیت از طریق یک جمله یا حتی تماس دیپلماتیک اعطا نمی‌شود. طالبان بر قلمرو کنترل دارند، نتشکلات را اداره می‌کنند و قدرت قهریه را اعمال می‌نمایند. این واقعیت تجربی جایگاه آنان است. نادیده‌گرفتن این امر آنان را تضعیف نمی‌کند؛ بلکه تنها ظرفیت بیرونی برای تأثیرگذاری بر رفتارشان را از میان می‌برد. راه دیگری که منتقدان ارائه می‌کنند، یک ستراتیژی نیست؛ بلکه صرفاً یک موضع‌گیری است.

در سطحی گسترده‌تر، اینعکس العمل‌ها یک جریان طولانی در سیاست ایالات متحده را نادیده می‌گیرد. از آغاز در سال ۲۰۰۱، واشنگتن هرگز به‌گونه کامل متعهد به ساخت یک دولت دموکراتیک اساسب به سبک غربی در افغانستان نبود. طرز دید اولیه «حضور سبک» بر استفاده از نیروهای نیابتی، استقرار محدود نظامی و مأموریت محدود ضدتروریسم تکیه داشت. دولت‌سازی پراکنده، ناهماهنگ و اغلب تابع اهداف کوتاه‌مدت امنیتی بود. این یک پروژه منسجم و پایدار برای دگرگونی دموکراتیک نبود.

تا زمان اداره بارک اوباما، بحث داخلی به‌گونه قاطع به‌سوی خروج تغییر جهت داده بود. افزایش نیروها یک تشدید موقت برای ایجاد شرایط خروج بود، نه تعهدی درازمدت برای ثبات پایدار. حزب دموکرات، متأثر از مصارف سیاسی جنگ‌های عراق و افغانستان، به‌تدریج به‌سوی کاهش حضور حرکت کرد. این روند در تصمیم اداره جو بایدن برای تکمیل خروج در سال ۲۰۲۱ به اوج رسید و طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکا پایان یافت. این تصور که ایالات متحده هرگز به‌گونه کامل در ساخت یک دموکراسی پایدار در افغانستان سرمایه‌گذاری کرده بود، با سیر تحول سیاست‌های خودش در تضاد است.

در این چارچوب، دیدگاه عایشه وهاب بحث‌برانگیز نیست، بلکه منسجم است. اگر ایالات متحده اشغال نظامی را به‌عنوان ابزار رد کرده است، دیپلماسی به ابزار اصلی تبدیل می‌شود. در این صورت، تعامل نه امتیاز، بلکه ضرورت است.

در پس این عکس العمل‌ها یک ناراحتی عمیق‌تر نیز نهفته است. عایشه وهاب روایت مطلوبی را برهم می‌زند که در آن، فاصله گرفتن معادل حفظ وضاحت اخلاقی تلقی می‌شود. محکوم‌کردن آسان‌تر از تعامل است، همان‌گونه که مطالبه نتایج حداکثری آسان‌تر از عمل در چارچوب محدودیت‌هاست. اما سیاست‌گذاری در قلمرو مطلق‌های اخلاقی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در محدوده‌هایی عمل می‌کند که قدرت، جغرافیا و اراده سیاسی تعیین می‌کنند.

منتقدان او با یک پرسش اساسی روبه‌رو اند: چه انتخاب دیگ دارند؟ مداخله دوباره؟ جنگ نیابتی؟ ادامه انزوا بدون هیچ ابزار نفوذ؟ هیچ‌یک از این انتخاب‌ها موثریت خود را ثابت نکرده‌اند و همه هزینه‌های سنگین دارند، عمدتاً برای افغان‌هایی که در داخل کشور زندگی می‌کنند.

دیپلماسی پاداش نیست، ابزار است. تضمین‌کننده پیشرفت نیست، اما شرایط تلاش برای پیشرفت را فراهم می‌سازد. اظهارات عایشه وهاب این واقعیت بنیادی را به رسمیت می‌شناسد. تلاش برای تعریف دوباره آن به‌عنوان خیانت، بیش‌تر بازتاب ناتوانی در مواجهه با محدودیت‌های کنونی افغانستان است.

بحث باید از سطح اتهام‌زنی عبور کند و به سطح ستراتیژیک برسد. این امر مستلزم کنارگذاشتن مطلق‌گرایی لفظی و پذیرش این واقعیت است که نفوذ، هرچند محدود، از بی‌اثری بهتر است. عایشه وهاب این موضع را به‌روشنی بیان کرده است؛ عکسالعمل‌ها علیه او نتوانسته آن را رد کند.



آرشیف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلا

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یاډونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خبر و لولئ